

"زندگی به عنوان نامزد
امپراطور"



مترجم :

Aralia

کاری از تیم :

Flaxen Guys

ویراستار :

۴_۵_۵12

کلینر :

Akane



@Flaxen_Guys



@Flaxen_Guyss



@FlaxenGuys

تایپیست :

Mika Nozen

황제의 악녀로 살아는것은

طراح: Chimpa
نویسنده: Saebyeon Yuseong
محصل: Orange Track

(36)

هعی، حتی نمی‌تونم
غذا خوری برم چون می‌ترسم
باهاش رو به رو بشم...

تقی

تقی



معاون وزیر!

تردنه

بان

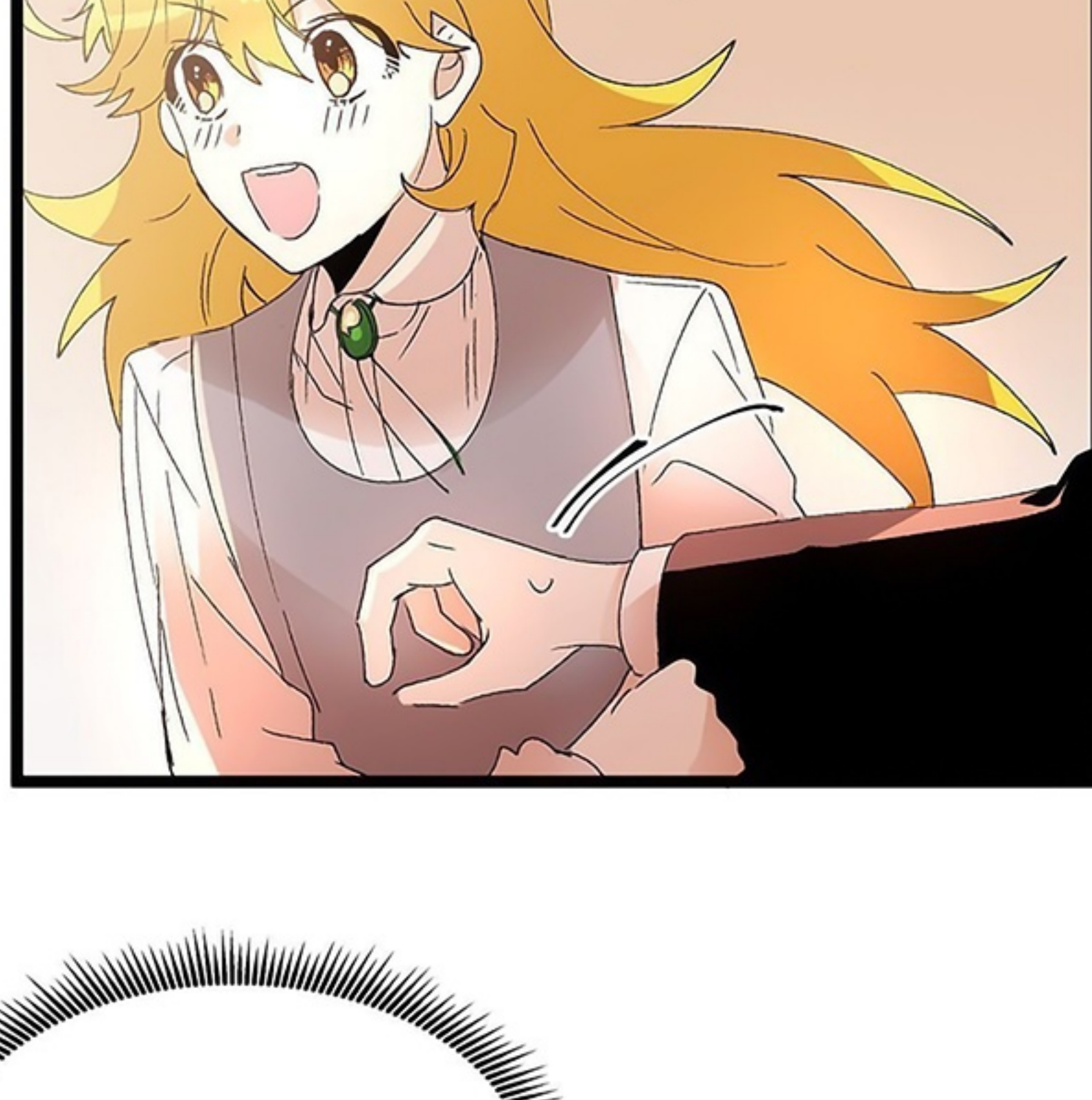
یقف



صرفه

صرفه

پیداش کردم!



پیداش؟ چی؟

صرفه



صرفه

کی از این احمق
خواستم کسیو پیدا
کنم؟

اوه، ام...

دیدن شما باعث
افتخاره، معاون وزیر کبالت!
من یکی از اعضای مجلس،
آسن میلیبند هستم!

Asen Milliband*

تعظیم کردن

این همون مرد افسانه‌ایه که به
عنوان به نماینده‌ی ناشناس
مجلس چشم نخست وزیر رو گرفت
و بلافاصله معاون وزیر شد.

"به نمونه‌ی زنده برای قضیه‌ی"
تا زمانی که توانایات در اوج، رسیدن
به موقعیتای بالا برای هرکسی
دست‌یافتیه!"

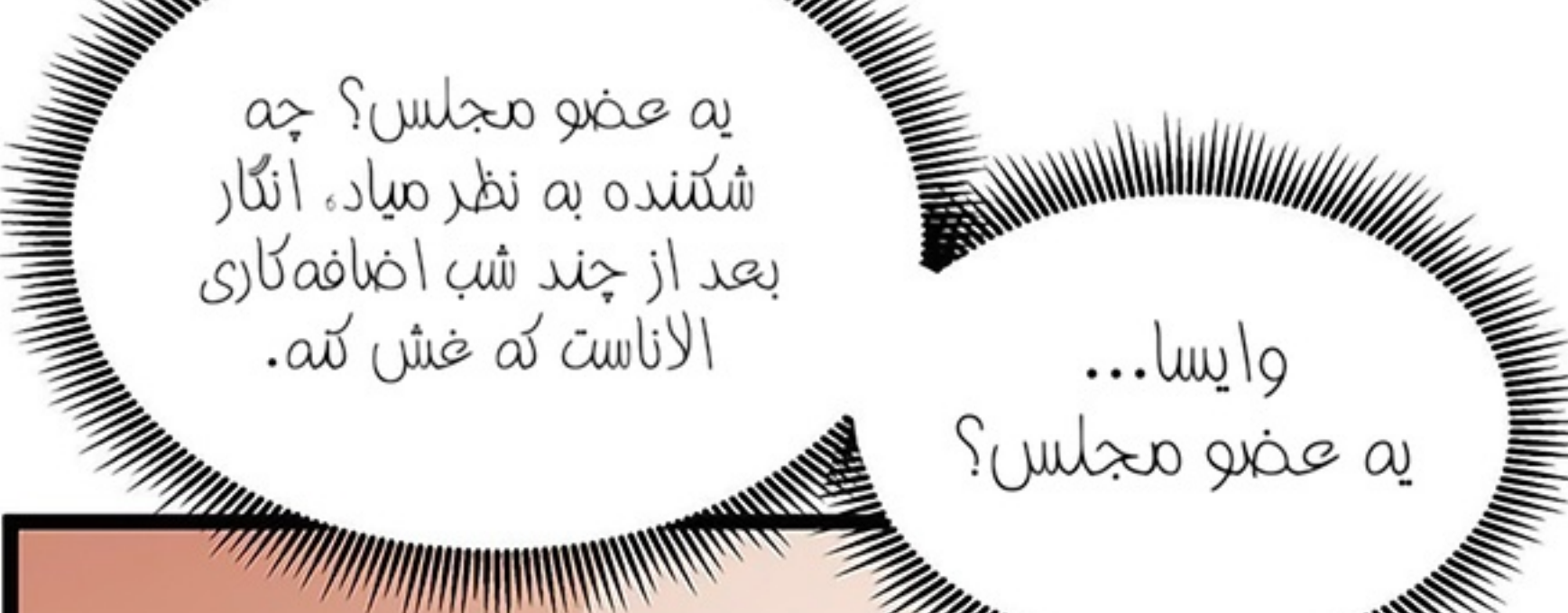


درخشیدن

درخشیدن

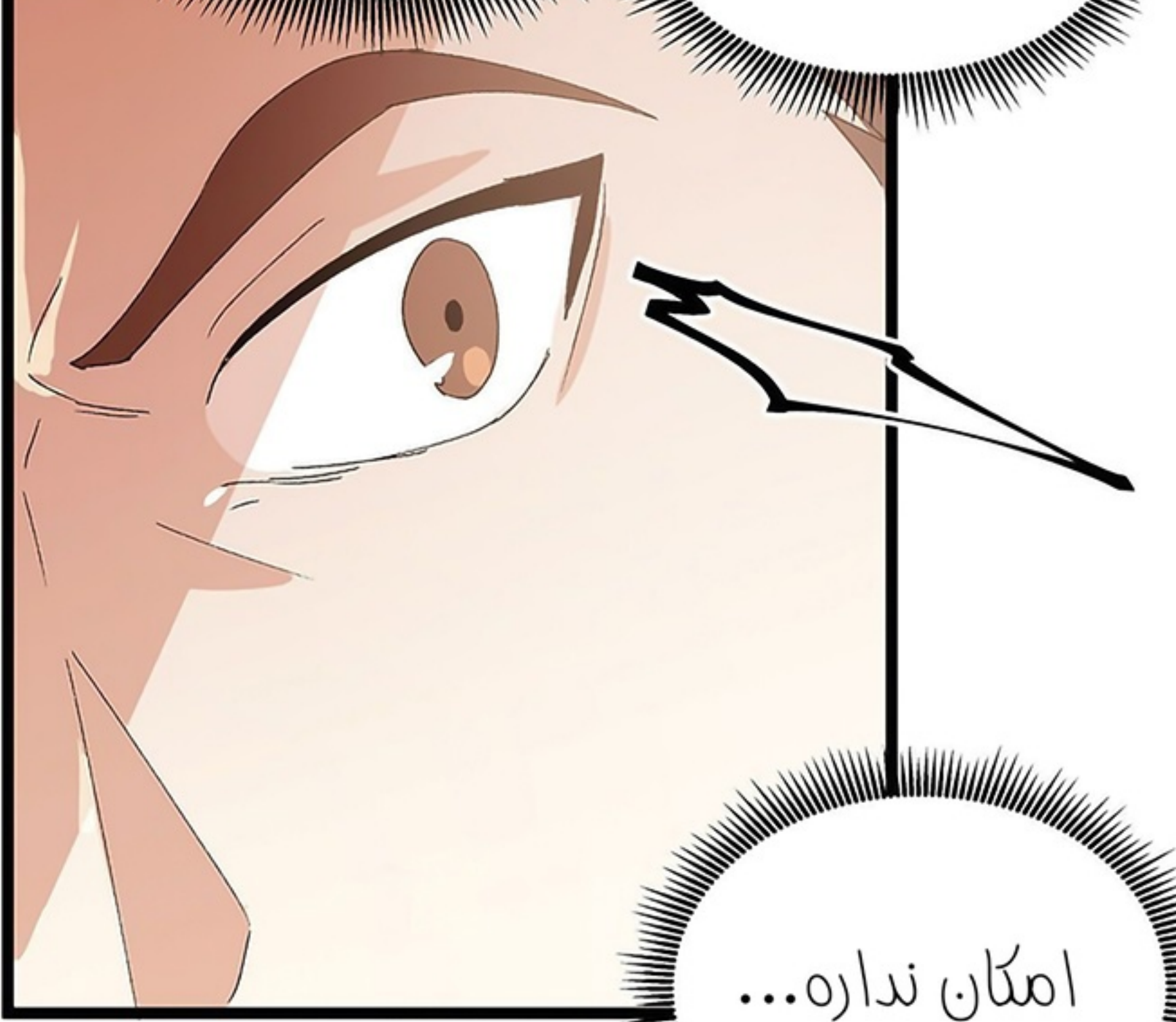


این دیگه
چه کوفتیه؟



یه عضو مجلس؟ چه
شکنده به نظر میاد. انگار
بعد از چند شب اضافه کاری
الاناست که غش کنه.

وایسا...
یه عضو مجلس؟



امکان نداره...



شنیدم معاون وزیر
قصده داره لایحه‌ای که قبلا
پیشنهاد شده، دوباره
مطرح کنه.

فـ فـ فـ، این چیزیه
که من توش تفصیح دارم... تا وقتی
که کاری باشه، هر کمکی بتونم
انجام میدم!



تو، گفتی آسن،
درسته؟ می‌دونی اون
کیه؟

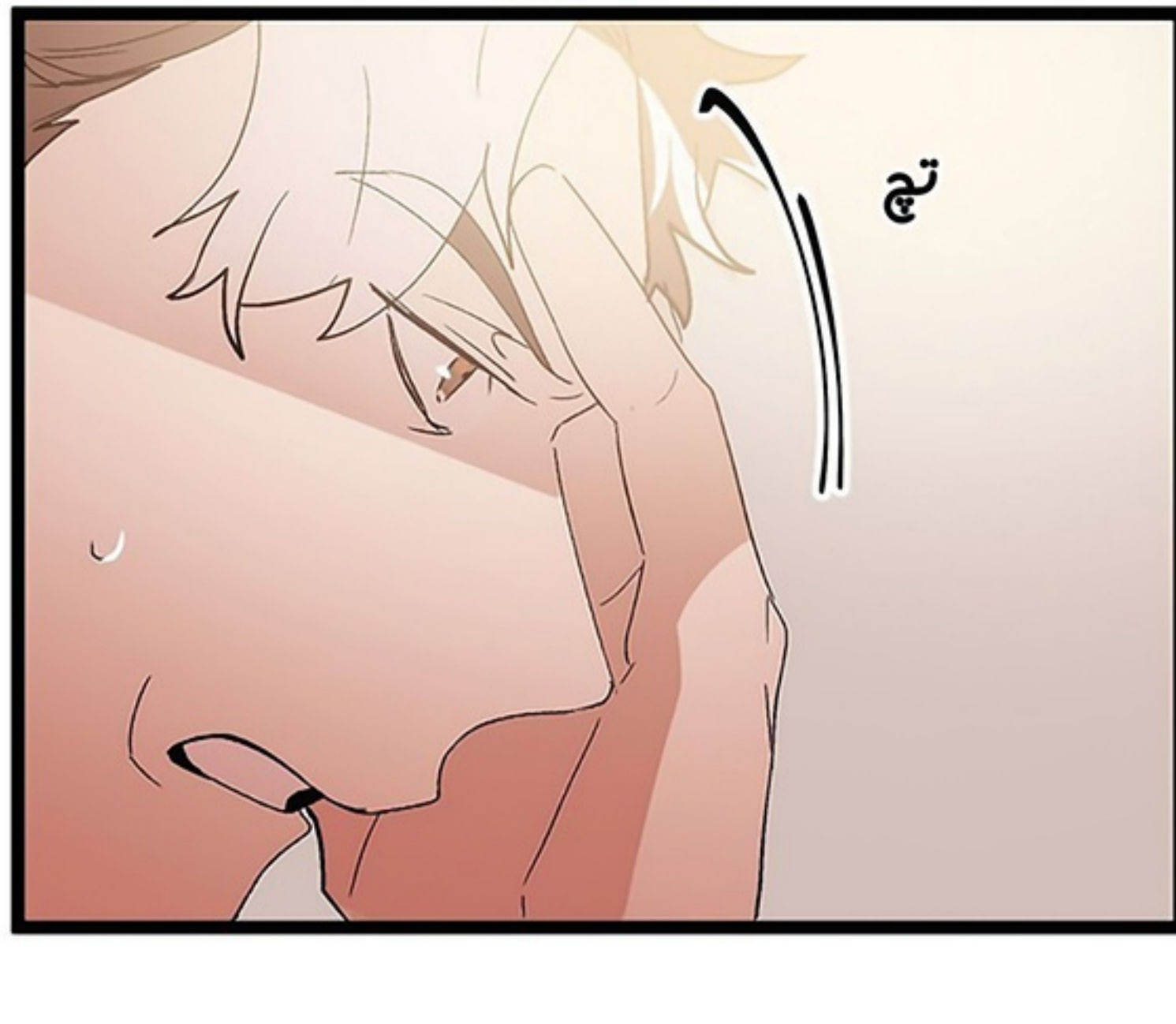


بانو ادل؟ مگه اون
کارمند وزارت فونه امور داخلی
نیست؟

مجبور بودی هر کی
دم دستت میادو برداری
بیاری؟



متاسف...



این کوچولوهای
احسنی که پر از امیدن

کارمند وزارت فکونه و نامزد
امپراطور که به پادگانی دسترسی
داره و همینطوری داره گرد و
خاک می کنه.

عضو احسن و شیرین عقل
مجلسی

معاون وزیر امور داخلی



به هر حال، الان
دوباره می شه لایحه رو
معرفی کرد.



گندش بزنین!





اوه! از دیدنت خوشحالم!
این اولین انقدر مشغول بودم که
تونستم ببینمت.



درسته. امسال وقت زیادی
نمونده، خیلی شلوغه.



لایحه‌ی دفعه‌ی قبلت
بد نبود منم می‌خواهم کمک
کنم...



ممنونم. اما این پیزی
نیست که من تنهایی
بتونم تصمیم بگیرم.



آه، بنشینید، این لایحه‌ایه که
تو این جلسه ارائه می‌شه.



بله بله.



هر طور تونستید برگه‌ی
شماره رو بالا بگیرید ... می‌توانید
برای قرعه‌کشی درخواست
بدید؟



آه، بله. می‌خواهم
همین کارو کنم...

پس لطفا اسمتون و عنوان
لایحه‌تون فوتتون رو اینجا بنویسید
و توی جعبه بذاریدش.



راستی...

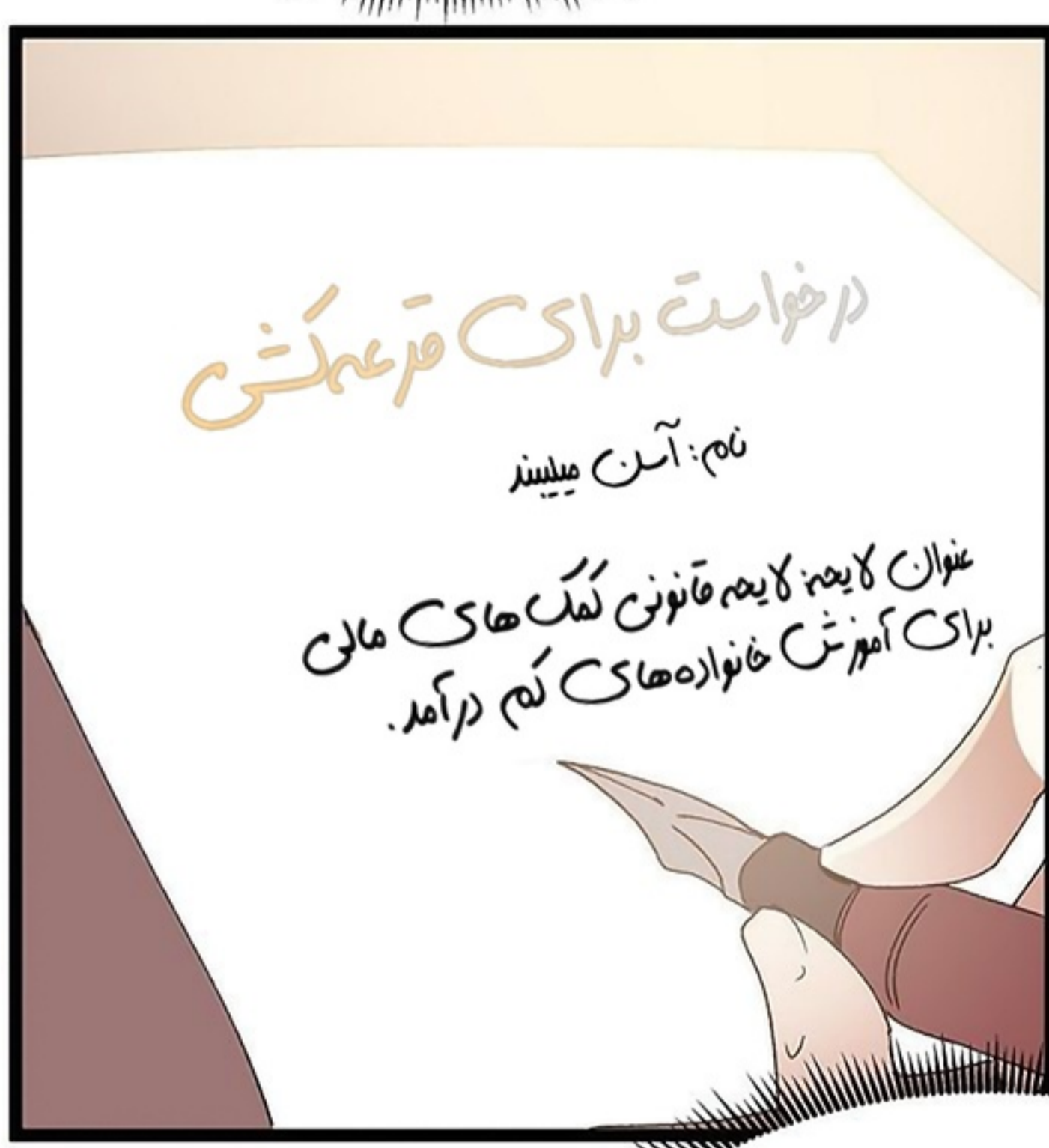
واقعا
درخواست می‌دید؟
برای لایحه؟



... بله.



بالاخره، این اولین
باره که تو قرعه‌کشی
شرکت می‌کنم!!

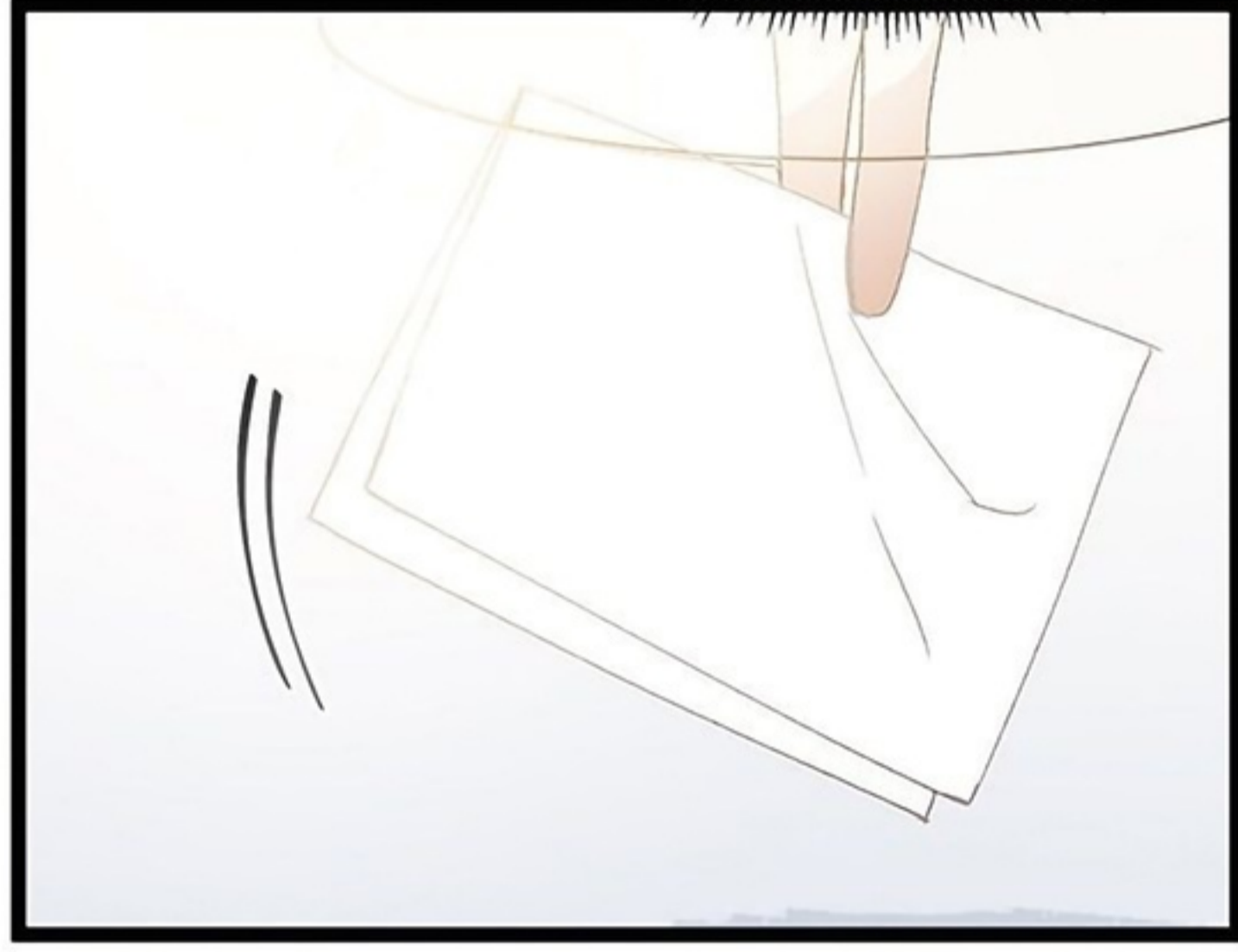


درخواست برای قرعه‌کشی

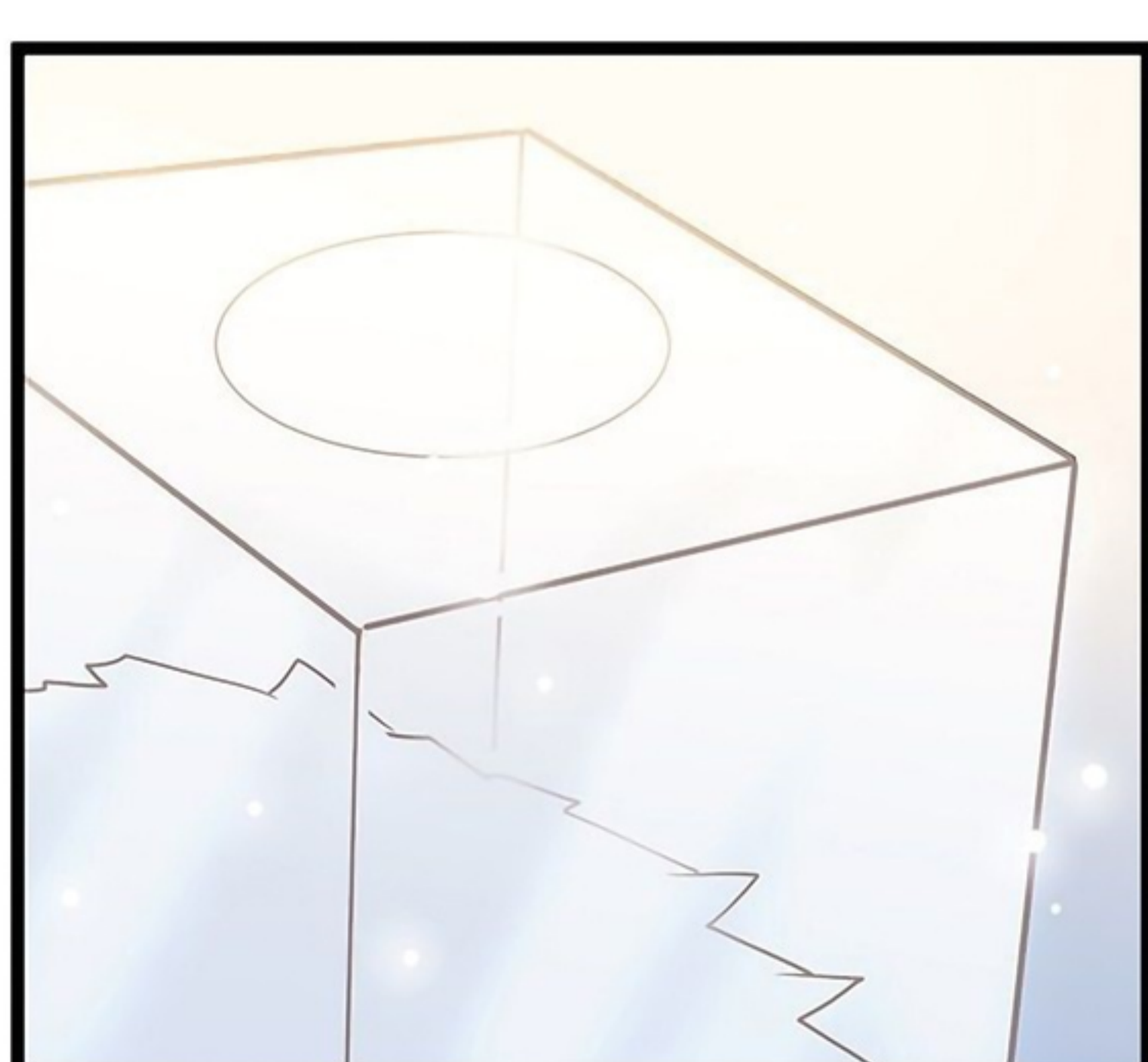
نام: آسن میلیند

عنوان لایحه: لایحه قانونی کمک‌های مالی
برای آموزش خانواده‌های کم درآمد.

می‌شه نصادفی انتخابش
کرد تا تو اولویت قرار بگیری و
سریع موقع جلسه نمایش
داده بشه!



بین اون همه
لایحه فقط هفتاشونن که
مطرح می‌شن!!



البته که باید برای قرعه کشی درخواست بدی! حتی اینم نمی‌دونی، رفیق!

صحنه



تا حالا اینکارو نکردم ...

بعد از اینکه برای لایحه‌ها اولویت مشخص کردن، این لایحه‌ی کوچیک به احتمال زیاد زیر یه لایحه‌ی دیگه دفن می‌شه. از خوانش اول و دوم میگذره و به جلسه‌ی مشورتی می‌رسه.

معاون وزیر اینو خیلی خوب می‌دونه.

اون دو تا فقط بلن حرف بزنین!

ولی من هنوزم از خانم نامزد بهترم!

دارم سعی می‌کنم یه پیش نویس اساسی برای مناظره‌ی موقع قرعه‌کشی آماده کنم...

نالیرن

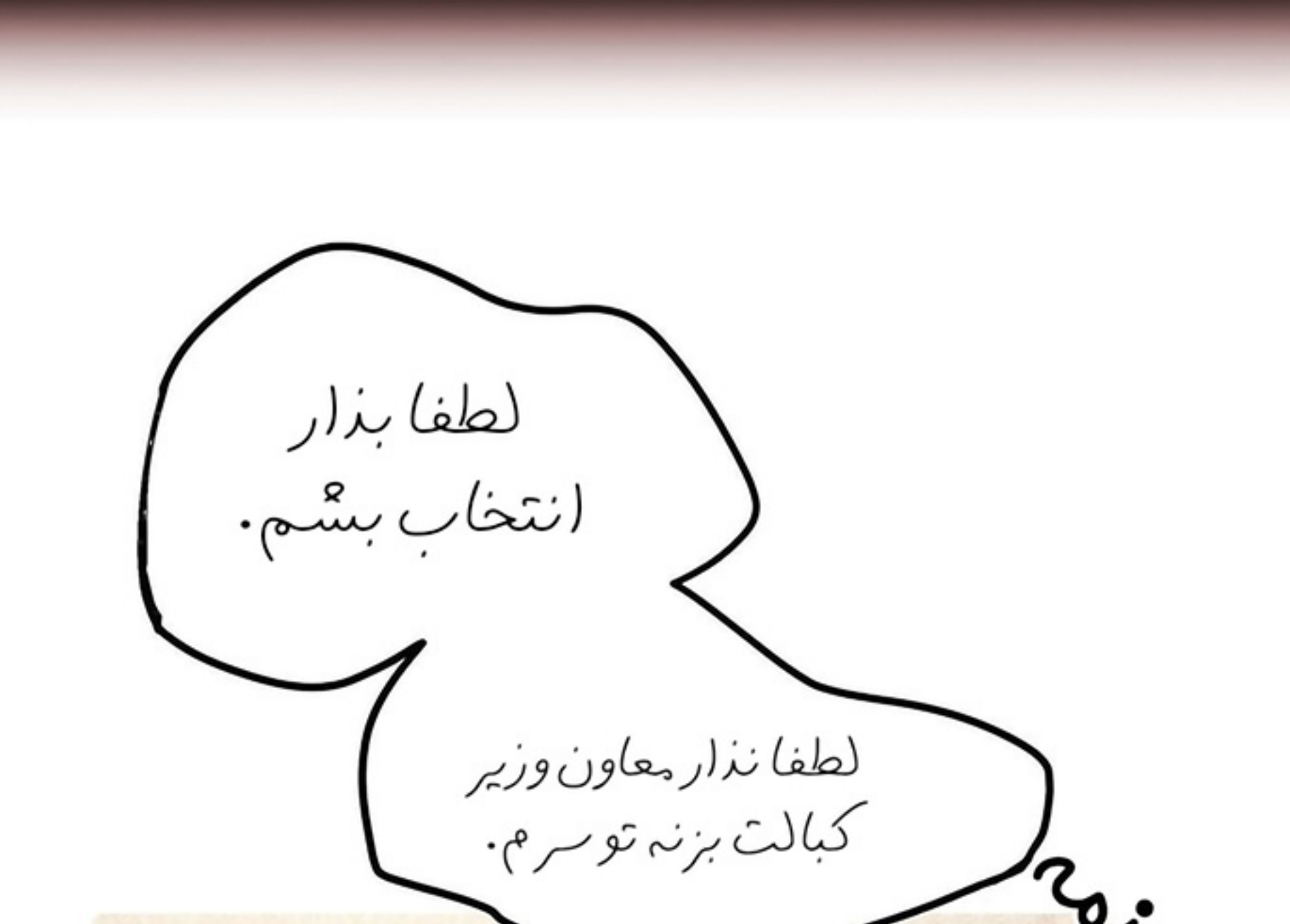


آه! حتما برای قرعه‌کشی درخواست می‌دیم، درسته؟



مگه شایعه‌ها رو نشنیدی که امپراطور با اون نامزد کرده چون به مهارتای شغلیش علاقه منده و می‌خواد بقیه‌ی عمرش اونو کنار خودش داشته باشه؟ احمق!

ضربه



آخ!!

لطفا بزار انتخاب بشم.

لطفا بزار معاون وزیر کبالت بزنه تو سرم.

زوزه



اوه، آسن؟ تو آسن میلیبند هستی، درسته؟

درسته؟



نایجل؟*



این نایجل، محبوب‌ترین شخص بین نازه‌کارا، درسته؟ لایحه‌هایی که تصویب کرده فقط یکی دو تا نیست...

*nigel



راستی، اسممو هنوز یادشه... نو مراسم ملاقات فقط چند کلمه حرف زد...

نیللی وقته که ندیدمت. کار و بار پطوره؟ شنیدم مسئول کتابفونه‌ای.

اوه، منم عضو مجلسم، پس... اومدم تا یه لایحه ارائه کنم.



نگو که تو هم برای قرعه‌کشی درخواست دادی؟



البته که برای قرعه‌کشی درخواست دادم. تو اولویت قرار گرفتن خوبه.



اوه ندای من

به نظر می‌رسه یه لایحه‌ی شکست‌انگیز انتخاب کردی.



هاهاها!

درسته.



هاهاها!

هیچ وقت ندیده بودم یه نماینده‌ی مجلس تازه کار. انقدر شجاعانه برای قرعه‌کشی درخواست بده.



آه، بپه‌ها...



فدایا، اینجا جای بحث کردن در مورد اهمیت یه لایحه نیست، مگه نه؟ و اینکه، بین لایحه‌هایی که ارائه کردیم، چی می‌تونه بی اهمیت باشه؟



بین کارایی که انجام می‌دیم هیچ چیز بی‌اهمیت وجود نداره.

پس، نماینده آسون درست می‌گه.



ما اینتایم تا بنظر ارائه‌ی یه لایحه‌ی جدید برای این جلسه هم تو قرعه‌کشی شرکت کنیم.



اگه مشکلی نداری، می‌تونیم قرعه‌کشی رو باهم نگاه کنیم؟ بعد که تموم شد، بیا بریم غذا بخوریم. تازه می‌تونیم در مورد لایحه هم حرف بزنیم.

غذا؟



این همون روش معروف برای نزدیک شدن به کسی از راه حرف زدن موقع غذا خوردنه؟

یعنی حزب نایجل ازم خوشش اومده؟

و اینکه، اگه دوست داری بعد از ظهر به "اقامتگاه رسمی نخست وزیر" بریم، چطوره؟



تالاب

اقامتگاه رسمی نخست وزیر!



تپ

تپ

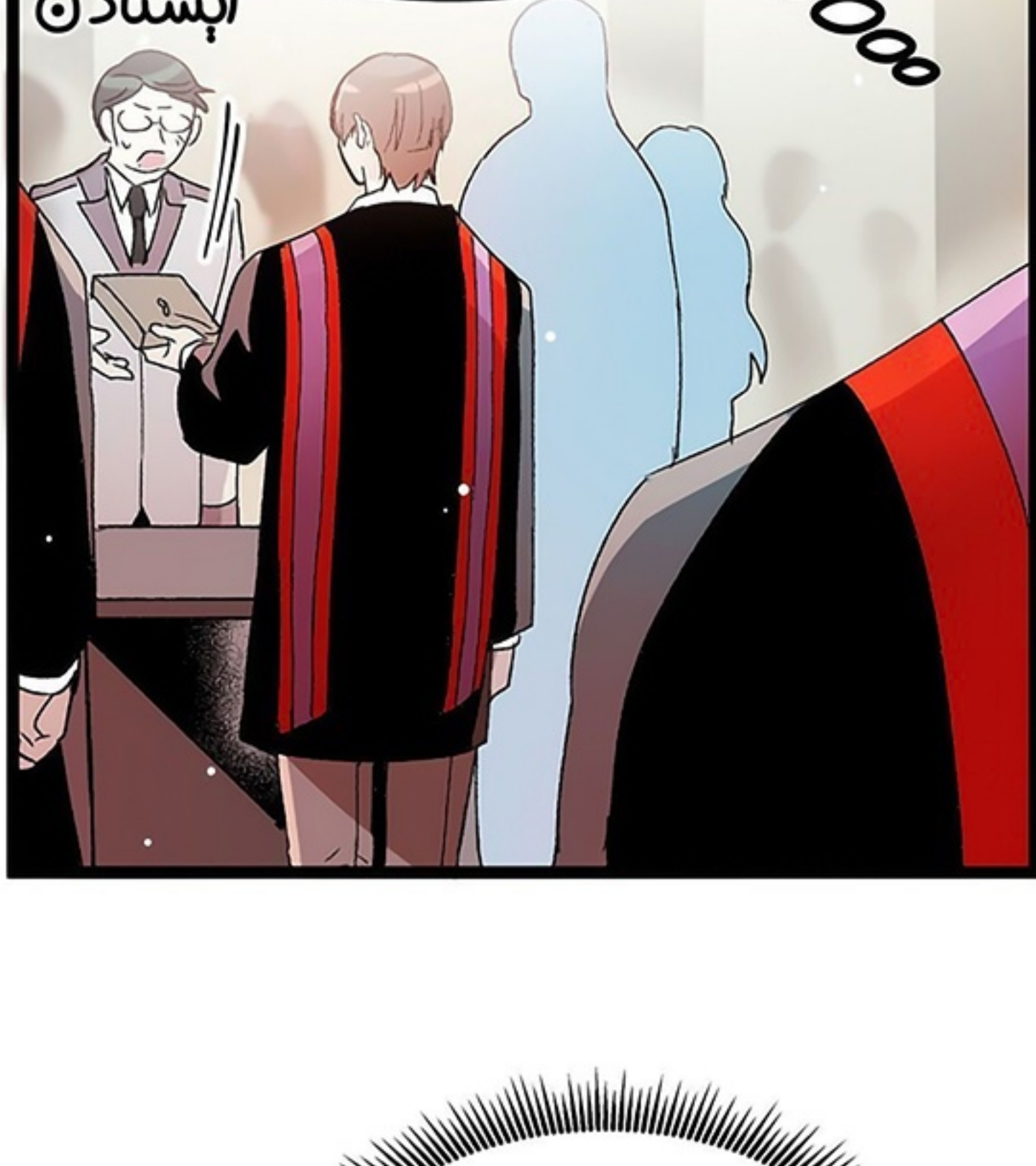
قبلیش لایه رو می فرستم.



اقامتگاه رسمی نخست وزیر...

می خوام برم! خیلی دلم می خواد برم!

نایجل عالیه... کمک کردن به یه نماینده ناچیز مثل من...



ووو

به هر حال...

سرفه



سرفه

سرفه

جادو نمی تونه سرماخوردگی رو بهتر کنه؟



مریضی ها رو نمی شه با سحر و جادو درمان کرد اگه با جادو می شد سرماخوردگیو درمان کرد بیمارستان به چه دردی می خورد؟

به هر حال، امروز آخرین درسه. آفرین.

استاد دست شما درد نکنه.



غیرممکن

من پیکار کردم؟ فقط می شینم، شراب خوب می نوشم و از شن لذت می برم.

هرچند، درس اول رو گلاسیت بودم.



اَه
نامزد امپراطور
نبود...

دیده هیچ
وقت قرار نیست به دانش آموز با
همچین استانداردهایی داشته
باشم... چه حیف...



الان دیگه به شراب
سازی برمی گردی؟

اره، یه مسئله‌ی مهم
پیش اومده، برای همین باید
سریع برم.

یه مسئله‌ی
مهم؟



اگه بفوام دقیق بگم، یه در دسر
عجیب و غریب؟ یه مشکلی
که نمی‌شه توضیحش داد، تو
شراب‌سازی با انگورایی که برای
استفاده تو شرابای یخی کشت
می‌شن، وجود داره.

یه مشکل
غیر قابل توضیح؟



انگورا سرد
نیستن.

شراب یخی شرابییه که با
انگورای منجمد که بعد از یخ
زنن عمدی برای به حداکثر
رسوندن شیرینی برداشت
می‌شن، درست می‌شه.

برف میاد
اما انگورا خوب یخ
نمی‌زنن.

فب، برای اینکه بدونم شرایط
چطوریه باید یه نگاهی بندازم... بعدا
وقتی تونستم باهات تماس می‌گیرم،
اگه دوست داری به یه تور بازدید از
شراب سازی می‌برمت.

واقعا؟



واو

علاوه براین، می‌دونم که
کسی تالابا به شراب سازی من
دعوت نشده، درسته؟

پس، این یه
هدیه‌ارسن.



البته نمی‌دونم قبلا از
کدوم شراب می‌خوردی...



بعد از دیدن
ویژگیاش این بهترینه.

